

ارزیابی نسبت عملکرد نظام جمهوری اسلامی با گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت استقلال سیاسی

رضا رحیم پور^۱، احسان شاکری خوئی^۲، رضا نصیری حامد^۳

علیرضا اسمعیل زاد^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۶

چکیده: بی شک انقلاب مردم ایران در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی، نقطه عطف مهمی در چشم انداز سیاسی کشور بود که منجر به استقرار نظام جمهوری اسلامی شد و یکی از گفتمان های انقلاب اسلامی با دال مرکزی اسلام سیاسی، استقلال سیاسی بود. این مقاله به ارزیابی نسبت عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران با گفتمان انقلاب اسلامی با محوریت استقلال سیاسی پرداخته است. استقلال سیاسی به عنوان یکی از اصول اساسی و اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران، نقش مهمی در شکل گیری سیاست ها و ساختارهای حکومتی جمهوری اسلامی داشته است. با استفاده از روش کتابخانه ای، بصورت توصیفی و با بهره گیری از تحلیل گفتمانی لاکلاو و موف، این مطالعه تلاش کرد تا نحوه مفصل بندی و تثبیت گفتمان استقلال سیاسی در جمهوری اسلامی را تحلیل کند و سپس به ارزیابی عملکرد نظام در دستیابی به این هدف بپردازد. این ارزیابی شامل بررسی سیاست های داخلی و خارجی، تلاش های اقتصادی برای خودکفایی و چالش ها و مقاومت های داخلی و خارجی است که جمهوری اسلامی با آنها مواجه بوده است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که جمهوری اسلامی ایران با وجود مواجهه با فشارهای بین المللی و چالش های داخلی، تلاش های قابل توجهی برای حفظ و تقویت استقلال سیاسی خود انجام داده است. اما همچنان با چالش های متعددی روبرو است که نیازمند تحلیل و تدابیر جدیدی برای دستیابی به استقلال کامل سیاسی است.

واژگان اصلی: استقلال سیاسی، اقتصاد مقاومتی، ایران مستقل، سیاست خارجی، گفتمان انقلاب.

^۱دانشجوی دکتری اندیشه های سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. Email: iribtvn@gmail.com

^۲استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. (نویسنده مسئول). shakeri_ah@yahoo.com

^۳استادیار دانشگاه تبریز. r.nasirihamed@gmail.com

^۴استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. a.ismailz@gmail.com

مقدمه

با شدت انقلاب تحولی بنیادین در جامعه محسوب می‌شود و پیامدهای بسیاری را در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی به همراه دارد. حاصل هر انقلابی ایجاد ساختارها و مفاهیمی جدید است و گاهی شعاع این گفتمان جدید مرزهای جغرافیایی یک کشور را درمی‌نوردد و دامنه تأثیر آن تا فراسوی مرزهای دیگر کشورها نیز کشیده می‌شود.

روش تحلیل گفتمانی که توسط ارنستو لاکلاو و شانتال موف توسعه یافته، ابزاری قدرتمند برای تحلیل فرآیندهای سیاسی و اجتماعی است. این روش به ما کمک می‌کند تا نحوه شکل‌گیری و تثبیت معانی در گفتمان‌های مختلف و چگونگی تثبیت هژمونی در جامعه را درک کنیم (لاکلاو و موف، ۱۹۸۵). استفاده از این روش در تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی ایران، به ما امکان می‌دهد تا به درک عمیق‌تری از چگونگی شکل‌گیری و تثبیت گفتمان انقلاب اسلامی و همچنین ارزیابی عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به استقلال سیاسی برسیم.

پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که عنوان دقیق مشابه با مقاله مورد نظر، نگارش نشده اما موضوع استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیقات انجام شده به طور کلی بر این نکته تأکید دارند که جمهوری اسلامی با اتخاذ سیاست‌های خاص و مقابله با نفوذ خارجی تلاش کرده است تا استقلال سیاسی خود را حفظ کند. با این حال، چالش‌ها و مقاومت‌های متعددی نیز وجود داشته‌اند که نیازمند تحلیل و تدابیر جدیدی برای دستیابی به استقلال کامل سیاسی هستند. هوشنگ جهانی (۱۹۹۰) در کتاب سیاست ایرانی و نوگرانی دینی، به بررسی تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره‌های مختلف پرداخته و تحلیل‌های جامعی از مفاهیم استقلال، عدالت، جمهوریت و آزادی ارائه می‌دهد. این کتاب به تفصیل به بررسی تلاش‌های جمهوری اسلامی برای دستیابی به استقلال سیاسی می‌پردازد.

کدی نیکی آر (۲۰۰۶). در کتاب ایران مدرن و ریشه‌ها و نتایج انقلاب، به تحلیل ریشه‌ها و نتایج انقلاب اسلامی ایران پرداخته و به بررسی عملکرد جمهوری اسلامی در دستیابی به اهداف انقلاب، از جمله استقلال سیاسی، می‌پردازد.

آبراهامیان، یرواند (2008) در کتابتاریخ ایران مدرن به تاریخ معاصر ایران و تحلیل تحولات سیاسی و اجتماعی این کشور می‌پردازد. نویسنده در این کتاب به بررسی نحوه تلاش‌های جمهوری اسلامی برای حفظ استقلال سیاسی و مقابله با نفوذ خارجی پرداخته است. محسن میلانی (1994) در کتاب "ساخت انقلاب اسلامی ایران"، فرایندهای منجر به انقلاب اسلامی و چگونگی شکل‌گیری جمهوری اسلامی و مفاهیم کلیدی گفت‌ماند انقلاب را بررسی می‌کند. و به تلاش‌های جمهوری اسلامی برای حفظ استقلال سیاسی در مقابل فشارهای داخلی و خارجی پرداخته است.

مقاله حاضر در مقایسه با پیشینه آن در چندین جنبه مختلف نوآوری دارد. این جنبه‌ها شامل استفاده از چارچوب نظری منحصر به فرد، تحلیل جامع‌تر و رویکرد مقایسه‌ای جدید است که در مطالعات پیشین به شکل مشابهی به کار گرفته نشده‌اند.

الف) ارزیابی عملکرد نظام جمهوری اسلامی با محوریت استقلال سیاسی این تحقیق به طور خاص به ارزیابی عملکرد نظام جمهوری اسلامی در دستیابی به استقلال سیاسی می‌پردازد، در حالی که بسیاری از مطالعات پیشین بیشتر به تحلیل تاریخی و تئوریک پرداخته‌اند. بررسی عملکرد جمهوری اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاست داخلی و خارجی و ارزیابی میزان موفقیت این نظام در تحقق استقلال سیاسی، نوآوری دیگری است که این تحقیق را از سایر مطالعات متمایز می‌کند.

ب) رویکرد مقایسه‌ای جامع

در این پژوهش، استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با اهداف و اصول گفت‌ماند انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رویکرد مقایسه‌ای به ما امکان می‌دهد تا فاصله میان اهداف ایدئولوژیک و عملکرد واقعی نظام جمهوری اسلامی را شناسایی کرده و نقاط قوت و ضعف این نظام را بهتر درک کنیم. این نوع از تحلیل در مطالعات پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بررسی و ارزیابی عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در دستیابی به استقلال سیاسی، می‌تواند به شناخت نقاط قوت و ضعف این نظام در حوزه سیاست‌های داخلی و خارجی کمک کند. این تحقیق با استفاده از روش گفت‌ماند لاکلاو و موف، رویکردی نوین در تحلیل و ارزیابی ارائه می‌دهد که

می‌تواند به پژوهشگران و سیاست‌گذاران درک بهتری از عملکرد نظام جمهوری اسلامی ارائه دهد.

این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال است که جمهوری اسلامی ایران تا چه میزان توانسته است به مدنظر گفتمان انقلاب اسلامی دست یابد؟ برای پاسخ به این سوال، ابتدا مبانی نظری و مفهومی مرتبط با نظریه گفتمان و هژمونی از دیدگاه لاکلاو و موف مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس به تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی و مفاهیم کلیدی آن از جمله پرداخته می‌شود. در ادامه، عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در دستیابی حوزه‌های داخلی و خارجی ارزیابی شده و چالش‌ها و مقاومت‌های موجود در این مسیر بررسی می‌شود.

۱- چارچوب نظری

۱-۲- تعریف گفتمان

از نظر لاکلاو و موف، گفتمان به مجموعه‌ای از معانی و مفاهیم اشاره دارد که در یک بافت اجتماعی خاص تولید و بازتولید می‌شوند. گفتمان‌ها نه تنها به توصیف واقعیت می‌پردازند، بلکه خود در ساختن واقعیت اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، گفتمان‌ها مرزهای معنا را تعیین می‌کنند و از این طریق، نحوه درک و تجربه افراد از جهان پیرامون را شکل می‌دهند. از نظر لاکلاو و موف، گفتمان‌ها تنها دریچه‌ی شناخت انسان بسوی جهانند. هر گفتمان در چارچوب نظام معنایی خود همه چیز را مفهومی خاص می‌بخشد، مفهومی که مختص همان نظام معنایی است. از این رو، ممکن است یک فعل، سخن، نماد یا ... در دو گفتمان متفاوت، معانی متفاوت و یا حتی متضاد با یکدیگر داشته باشند.

از منظری، هر عمل و پدیده‌ای برای معنا دار شدن باید گفتمانی باشد. فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار گیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند. آنها با محتمل و مشروط دانستن هم‌هویت‌ها و پدیده‌های اجتماعی، به نفی هرگونه عینیت‌گرایی و قطعیت‌گرایی ناشی از دیدگاه‌های اثبات‌گرا،

عقلگرا و استعلایی پرداخته اند. در این صورت، جهان اجتماعی تنها در قابل گفتمان‌ها قابل فهم است و خارج از قلمرو گفتمان هیچ حقیقت بنیادین و قابل فهمی وجود ندارد. این گفتمان‌ها هستند که گزاره‌های درست و نادرست را تولید می‌کنند و عاملان و نهادهای اجتماعی را و می‌دارند بر اساس این گزاره‌ها عمل کنند.

۲-۱-۱- هژمونی

مفهوم هژمونی ناظر به این موضوع است که در ساحت سیاست و اجتماع، چه کسی برتر و مسلط است. به عبارت دیگر، کدام نیروی سیاسی دربارهی شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت (مارش و استوکر، ۱۳۸۷: ۲۰۹).

هژمونی از نظر لاکلاو و موف، به فرایندی اشاره دارد که طی آن یک گفتمان یا مجموعه‌ای از معانی و مفاهیم، به صورت گسترده‌ای پذیرفته می‌شود و به عنوان "وضعیت طبیعی" یا "وضعیت پیش‌فرض" در جامعه تلقی می‌شود. این فرایند با رقابت بین گفتمان‌های مختلف و تلاش برای کسب سلطه معنایی بر جامعه همراه است. فرایند هژمونی گفتمان انقلاب اسلامی شامل رقابت با گفتمان‌های موجود و تلاش برای کسب سلطه معنایی بر جامعه بود. با توجه به قدرت و نفوذ گفتمان انقلاب اسلامی، این گفتمان توانست به هژمونی دست یابد و به عنوان وضعیت طبیعی در جامعه پذیرفته شود.

لاکلاو و موف برای توضیح اینکه چگونه فرایند انسداد و تثبیت گفتمانها شکل می‌گیرد، دو آموزهی مهم خویش را با عناوین هژمونی و ضدیت عرضه می‌کنند. در نزد این دو، رهبری سیاسی و به همان میزان رهبری ذهنی - روانی یک نیروی هژمونیک (دولت، طبقه، جنبش، فرد...) بر اساس یک شکل بندی گفتمانی استوار است که از طریق مفصلبندی حاصل میشود. به عبارت دیگر، گروهی توانایی هژمونیک شدن را خواهد داشت که بتواند از طریق دو اصل مقبولیت و در دسترس بودن دال‌های شناور، یک گفتمان یا جامعه را مفصلبندی کند. برای نمونه نئولیبرالیسم میتواند به عنوان یک گفتمان هژمونیک به حساب آید. بنابراین هژمونی در آراء لاکلاو و موف به معنای استیلاء و سیادت یک گفتمان بر اثر تثبیت و انجماد موقت عناصر و دقایق، حول دال مرکزی است که از طریق قابلیت دسترسی و اعتبار در میان عاملان اجتماعی نمود و بروز می‌یابد. روش گفتمانی لاکلاو و موف بر این فرض استوار است که گفتمان‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی

به واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی دارند. گفتمان انقلاب اسلامی نیز به عنوان یک چارچوب معنایی، تلاش می‌کند تا مفاهیم کلیدی چون استقلال، عدالت و حاکمیت اسلامی را هژمونیک کند و تلاش جمهوری اسلامی برای تثبیت این گفتمان و پذیرش گسترده آن در جامعه، نمونه‌ای از فرایند هژمونی است. مقاومت‌ها و چالش‌های داخلی و خارجی نیز بخشی از این فرایند رقابتی برای تثبیت هژمونی محسوب می‌شوند.

۲-۱-۲- گره‌گاه‌ها

در این روش، گره‌گاه‌ها مفاهیمی هستند که معنای اصلی یک گفتمان را تعیین می‌کنند و به عنوان نقاط مرکزی در یک گفتمان عمل می‌کنند و به سایر مفاهیم معنا می‌بخشند. و به تثبیت هژمونی کمک می‌کنند. به عنوان مثال، در گفتمان انقلاب اسلامی، "استقلال سیاسی" یک گره‌گاه مهم است. گره‌ها، نقاط مرکزی و کلیدی در یک گفتمان هستند که حول آنها سایر دال‌ها (signifiers) نظم و معنا می‌یابند. این نقاط مرکزی به عنوان هسته‌ای برای ساختار معنایی گفتمان عمل می‌کنند. برای مثال، در یک گفتمان ملی‌گرایانه، مفاهیمی مانند "ملت" یا "سرزمین" می‌توانند به عنوان گره‌ها عمل کنند. سایر مفاهیمی مانند "شهروندی"، "هویت ملی"، و "استقلال" در رابطه با این گره‌ها معنا پیدا می‌کنند.

۲-۱-۴- کاربردگرها و لحظه‌ها در گفتمان استقلال سیاسی

در گفتمان استقلال سیاسی یک انقلاب، گره‌هایی مانند "استقلال" و "آزادی" نقاط مرکزی گفتمان هستند. لحظه‌ها در این گفتمان می‌توانند شامل مفاهیمی مانند "خودمختاری"، "ملیت"، "مقاومت"، "جنبش مردمی"، و "رهایی" باشند. این لحظه‌ها در ارتباط با گره‌های مرکزی مانند "استقلال" و "آزادی" معنا پیدا می‌کنند و به شکلی منسجم به انقلاب شکل می‌دهند. به عنوان مثال: خودمختاری در: چارچوب گفتمان استقلال، به معنای توانایی یک ملت برای تعیین سرنوشت خود بدون دخالت خارجی است. ملت مفهومی است که به هویت جمعی و تعلق خاطر به یک ملت خاص اشاره دارد. مقاومت به عنوان یک لحظه، مقاومت در برابر قدرت‌های خارجی یا داخلی که مانع از دستیابی به استقلال می‌شوند معنا می‌یابد. جنبش مردمی اشاره به حرکت‌ها و تظاهراتی

که توسط مردم برای کسب استقلال و آزادی صورت می‌گیرد. رهایی به معنای آزاد شدن از قیود و سلطه‌های خارجی یا داخلی است..

۲-۲- استقلال سیاسی

استقلال سیاسی به معنای عدم وابستگی یک کشور به نیروها یا قدرت‌های خارجی در تعیین سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها است. این استقلال شامل جنبه‌های مختلفی می‌شود، غالباً نقطه آغاز را در سیاست میدانند. دستیابی به استقلال اقتصادی، فرهنگی و نظامی ممکن نیست. تردیدی وجود ندارد که رهایی از سلطه و سیطره بیگانگان، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بر اساس اراده ملی و داشتن حاکمیت مستقل و رها شده از دخالت قدرتهای مداخله‌گر، که از آن به استقلال سیاسی تعبیر می‌گردد اصل اساسی ارزشمند و دارای اهمیت راهبردی است که هر ملتی دوست دارد از آن برخوردار باشد، زیرا تنها در پرتو استقلال سیاسی است که یک ملت میتواند نظام سیاسی برخاسته از اراده ملی خود را بدون دخالت بیگانگان، انتخاب و سرنوشت جمعی خود را به دست آن بسپارد. «دارا بودن قدرت تصمیم‌گیری و سیاستگذاری همراه با قدرت اعمال این تصمیمات و سیاستها در حیطه حاکمیت. مطابق این تعریف، قدرت تصمیم‌گیری، قدرت سیاستگذاری و قدرت اجرای تصمیمات در حیطه حاکمیت، عناصر اصلی استقلال سیاسی محسوب می‌گردند.

استقلال سیاسی و تمامیت ارضی کشورها به دلیل نقش اساسی که در تمامی مسائل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی دارد، از منظر روابط بین‌الملل نیز به رسمیت شناخته شده و احترام به آن از ضروریات روابط بین‌الملل محسوب می‌گردد. مطابق منشور ملل متحد، هیچ کشوری حق نقض حاکمیت و حق هیچگونه دخالت و تمامیت ارضی دیگر کشورها را نداشته و هر نوع اقدام که حاکمیت سیاسی یک کشور را نقض کند، تجاوزگری محسوب میشود، و به سازمان ملل متحد و شورای امنیت اجازه میدهد تا با استفاده از سازوکارهای قانونی با متجاوز برخورد کند و تمامیت ارضی کشورها صیانت کند. بند ۱ از ماده ۱ منشور ملل متحد در بیان لزوم احترام به استقلال کشورها می‌گوید: «اعضای سازمان ملل در روابط بین‌المللی خود، از توسل به تهدید و یا استعمال قوه، خواه بر ضد تمامیت ارضی و یا استقلال سیاسی هر مملکت، و خواه به هر نوع دیگری که با

مرامهای ملل متحد متباین باشد، خودداری میکند». در بند ۷ همین ماده آمده است که: «هیچ یک از مقررات این منشور، ملل متحد را مجاز نمیدارد در کارهایی که اساساً مربوط به صالحیت ملی یک مملکت است، مداخله کند و اعضای سازمان را مجبور نمیکند که کارهایی از این قبیل را طبق طریقه‌های که در این منشور مقرر است تصفیه کند».

۲-۱-۲- استقلال در سیاست خارجی

استقلال در سیاست خارجی به معنای توانایی یک دولت برای تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های خارجی خود به طور مستقل و بدون تأثیرپذیری از فشارها یا مداخلات خارجی است. این مفهوم شامل توانایی یک کشور برای تعیین و دنبال کردن منافع ملی خود، برقراری روابط دیپلماتیک و اقتصادی با سایر کشورها بر اساس منافع و اصول خود، و حفظ حاکمیت و تمامیت ارضی خود در برابر نفوذها و تهدیدهای خارجی است. عناصر کلیدی استقلال در سیاست خارجی

الف) حاکمیت ملی: حفظ و تأیید کنترل دولت بر امور داخلی و خارجی خود بدون مداخله خارجی.

ب) خودکفایی: توانایی کشور برای تأمین نیازهای خود بدون وابستگی بیش از حد به منابع خارجی.

ج) تنوع بخشی روابط خارجی: برقراری روابط دیپلماتیک و اقتصادی با طیف گسترده‌ای از کشورها به منظور کاهش وابستگی به یک یا چند کشور خاص.

د) مقاومت در برابر فشارهای خارجی: توانایی ایستادگی و مقاومت در برابر فشارها و تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، و نظامی از سوی قدرت‌های خارجی.

۲-۲-۲- استقلال اقتصادی

کاهش وابستگی اقتصادی به کشورهای دیگر از طریق توسعه صنایع داخلی و خودکفایی در تولید کالاهای اساسی. استقلال اقتصادی به معنی خودبستگی در رفع نیازهای اساسی و جلوگیری از سلطه کشورهای دیگر بر اقتصاد بومی است. از مهمترین شاخصهای استقلال اقتصادی، عدم تأثیرپذیری گسترده از نوسانات و بحران اقتصادی در سطح جهان، ثبات ارزش پول و نداشتن اقتصاد تک محصولی است. در تعریف دیگری

از استقلال اقتصادی گفته شده است، آزادی برای انتخاب روش توسعه و پیشرفت کشور و استقرار آن به گونهای که نظام اقتصادی در وهله اول، سلطه اقتصادی یک یا چند کشور و در وهله دوم خروج درآمد ملی را بدون ورود ارزش معادل ممکن نسازد. برخی با دلایل مختلف این موضوع را رد میکنند و معتقدند در دنیای امروز روابط کشورها بسیار درهم تنیده است و نیازها نیز بسیار متکثر و زاینده است. همجواری ملتها و اطلاعات رسانهای به گونهای است که توقعات مردم کشورهای مختلف به شدت متأثر از شرایط و نیازهای سایر کشورها است. امروزه چراکه وابستگی اقتصادی، حاکمیت سیاسی دولتها در برابر بیگانگان را منتفی میسازد. ابرقدرتها در عرصه بینالمللی، از اهرم اقتصادی در زمینهای گوناگون برای مطیع ساختن سایر کشورها استفاده مینمایند. بدین جهت، بیگانگان بیشتر در کشورهای وابسته مداخله میکنند. در استقلال اقتصادی، منابع کشور حائز اهمیت است. بنابراین، استقلال اقتصادی به معنی ممانعت از چپاول منابع اقتصادی یک کشور توسط بیگانگان است. (آقابخشی ۱۳۷۶: ۱۸۲).

نظام جمهوری اسلامی که براساس معیارهای اسلامی بنا گشته، هم اصول آن عملی می گردد و هم استقلال و آزادی آن- با قطع زنجیرهای وابستگی و ایجاد اقتصاد سالم- تأمین میشود (عمیدزنجانی ۱۳۸۷: ۱۶۵). بر همین بنیاد در مقدمه قانون اساسی می خوانیم: در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل بر رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست، نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی؛ زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می شود، ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی توان داشت. با این دیدگاه، برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خالقیتهای متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی آدمی برعهده حکومت اسلامی است.

در اصل ۱۱ قانون اساسی به موضوع استقلال اقتصادی پرداخته شده است. برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشهکن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای

انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار میشود:

- ۱) تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات الزم برای تشکیل خانواده برای همه
- ۲) تامین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کاردر اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.
- ۳) تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعت کار چنان باشد که هر فرد عالوه بر تالش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.
- ۴) رعایت آزادی انتخاب شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری
- ۵) منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام
- ۶) منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.
- ۷) استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور
- ۸) جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور
- ۹) تاکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند (شعبانی ۱۳۹۵: ۱۱۵).

۲-۲-۳- استقلال فرهنگی

فرهنگ در لغت به معنای تعلیم و تربیت، علم و دانش و عقل و خرد آمده است. جامعه‌شناسان گفته‌اند: «فرهنگ به شیوه‌های از زندگی اطلاق می‌شود که اعضای یک جامعه آن را فرا می‌گیرند و عمل می‌کنند و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌دهند». همین‌طور آن را دارای سه جنبه شناختی، مادی (فنی) و سازمانی می‌دانند که:

الف) جنبه شناختی عبارت است از باورداشتهای، اسطوره‌ها، ایدئولوژیها، ارزشها، رویکردها و دانش

ب) جنبه فنی یا مادی عبارت است از مهارتها، پیشهها، ابزارها و چیزهای مادی دیگری که اعضای یک جامعه آنها را به کار می‌برند.

ج) جنبه سازمانی فرهنگ را نیز، آداب و رسوم، عرفها، قوانین و نقشی که با پایگاههای گوناگون یک فرهنگ همبسته‌اند، تشکیل می‌دهند.

پرداختن به تعاریف و کشمکشهایی که پیرامون واژه فرهنگ، در علوم مختلف رواج دارد، چندان مثمر ثمر نیست. منظور از فرهنگ، فرهنگ اسلامی است که مجموعه دستورات، قوانین و مقررات، آداب و رسوم و گفتار و کرداری است که از شرع مقدس، نشأت گرفته و منشأ آن، عقیده و تفکر اسلامی است، چنان که مراد از اصالت‌های فرهنگی نیز، آنهایی است که از اهمیت و اولویت برخوردار است و می‌توانند نقش اساسی ایفا کنند و حتی برای اجزای دیگر فرهنگ اسلامی، سمت مادری و ریشه‌های داشته باشند.

امروزه، برخلاف استحکام مرزهای جغرافیایی، مرزهای عقیده و فرهنگ و اخلاق و ارزشهای انسانی در هم شکسته شده و سردمداران استکبار جهانی با تبلیغات گسترده و شیطانی در صدد بی‌هویت کردن ملتها- از طریق قطعاترباط آنها با فرهنگ خویش- هستند، زیرا به خوبی دریافته‌اند که ملتها در برابر حملات نظامی، تحریمهای اقتصادی و فشارهای سیاسی می‌توانند تاب بیاورند و حتی ورزیده‌تر نیز می‌شوند، ولی «تهاجم فرهنگی» اگر حساب شده و با برنامه پیش برود، کارساز خواهد بود، درست به همین دلیل، کشورهای اسلامی، بطور عموم و به موازات عمر استعمار و جمهوری اسلامی به خصوص از بدو تولد تا کنون، آماج تیرهای زهرآگین فرهنگی دشمن بوده‌اند. (اله‌امینیا ۱۳۸۵، ۱۱۳).

از آنجایی که امروزه فرهنگ تمام ابعاد زندگی جامعه را در برمیگیرد، همگان از اهمیت استقلال فرهنگی و جایگاه آن در هویت و موجودیت جامعه آگاه هستند. اگر فرهنگ یک جامعه به پویایی و پختگی لازم و شایسته نرسیده باشد، پیشرفت و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... آن جامعه میسر نخواهد بود. بر این اساس میتوان گفت فرهنگ مبدایی است که اعمال انسانها و به تبع آن مسیر تکاملی جامعه از آن نشأت میگیرد. چنانچه اگر جامعهای فرهنگ ضد توسعه داشته باشد، این فرهنگ موجب اعمالی از سوی اعضای جامعه خواهد شد که نه تنها در جهت توسعه و پیشرفت جامعه عمل نخواهند کرد، بلکه راه پیشرفت را نیز سد میکنند و موجب انحطاط جامعه میشوند. لذا برای تحقق پیشرفت و توسعه جامعه، ضرورت دارد فرهنگ آن جامعه موافق با توسعه باشد.

استقلال فرهنگی مبنای وجوه دیگر استقلال است و تسلط حقیقی ابرقدرتها از این طریق است، به عبارت دیگر، در صورتی که بتواند فرهنگ، باورها، اعتقادات، رسوم و ارزشهای ملی را تغییر دهد، بر آنها به معنای واقعی مسلط شده است. استقلال فرهنگی سبب نهادینه شدن ارزشها و هنجارهای جامعه و در نهایت مقاومت و ایستادگی در برابر فرهنگ بیگانه میگردد. به همین خاطر، ارزشها و فرهنگ جامعه، رکن اساسی در پاسداری از استقلال آن محسوب میگردد. مستکبران و سلطهگران به دلیل نقش اساسی فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه در مرحله اول به دنبال زدودن فرهنگ سایر کشورها هستند. عبارت فرهنگزدایی نیز گواه روشنی بر رابطه میان فرهنگ و تأثیر آن بر سلطه سیاسی است.

صیانت استقلال فرهنگی از وابستگی و رنگپذیری از فرهنگهای بیگانه نیز اصل گراندردی است که باید پاس داشته شود؛ این وظیفه مهم اگر انجام گیرد، به سان دژی استوار، فرهنگ اسلامی را از هجوم فرهنگ بیگانه حفظ میکند. اسلام در پاسخگویی به نیازهای فکری و فرهنگی انسان از استغنا کافی برخوردار است و هیچ نیازی به منضم کردن فرهنگ بیگانه به فرهنگ اصیل خود ندارد و هیچ مسلمانی مجاز نیست که در این وادی از بیگانگان وام بگیرد. امام خمینی (ره) در سخنان خود با دانشگاهیان، از آنان

می‌خواهد که از حوزه علمیه الگو بگیرند و استقلال خود را - که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر باد رفته - بازیابند. (الهامی نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۸)

۲-۲-۴- استقلال نظامی

استقلال نظامی به معنای توانایی یک کشور در حفظ و دفاع از حاکمیت ملی خود بدون وابستگی به نیروها و تجهیزات نظامی خارجی است. این مفهوم شامل توسعه و تولید تجهیزات نظامی بومی، آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص، و توانایی انجام عملیات‌های دفاعی و تهاجمی به صورت مستقل می‌شود. استقلال نظامی نه تنها به عنوان یک عامل کلیدی در امنیت ملی بلکه به عنوان یکی از ارکان اساسی در تحقق استقلال سیاسی و اقتصادی کشورها نیز محسوب می‌شود. استقلال نظامی اهمیت زیادی دارد، زیرا باعث می‌شود که کشورها در مقابل تهدیدات خارجی مقاوم‌تر شوند و توانایی دفاع از حاکمیت ملی خود را داشته باشند. (آبراهامیان، پروانده، ۱۳۸۴).

استقلال نظامی یکی از ارکان اساسی در حفظ و تقویت امنیت ملی و و اقتصادی کشورهاست. ایران با توجه به تحریم‌های بین‌المللی و نیاز به خودکفایی در زمینه دفاعی، تلاش‌های گسترده‌ای برای توسعه صنعت دفاعی بومی و تربیت نیروی انسانی متخصص آغاز کرده است. با این حال، همچنان نیاز به تلاش‌های بیشتری برای غلبه بر چالش‌ها و محدودیت‌های موجود در این زمینه وجود دارد (بشیری، ۱۳۸۲).

۲-۲-۵- اهمیت استقلال سیاسی در گفتمان انقلاب اسلامی

استقلال سیاسی یکی از مفاهیم کلیدی و اهداف اصلی انقلاب اسلامی ایران بوده است. این مفهوم به معنای توانایی کشور در تصمیم‌گیری و اداره امور داخلی و خارجی خود بدون دخالت یا وابستگی به قدرت‌های خارجی است. در گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان یک گره‌گاه مرکزی عمل می‌کند که سایر مفاهیم و اهداف انقلاب حول آن شکل می‌گیرند.

در گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان یک هدف محوری و ضروری برای دستیابی به سایر اهداف انقلاب، مانند عدالت اجتماعی و حاکمیت اسلامی، تلقی می‌شود. اهمیت در این گفتمان به چند دلیل برجسته است:

الف) حفظ هویت ملی و اسلامی به معنای حفاظت از هویت ملی و اسلامی در برابر نفوذ فرهنگی و سیاسی خارجی است. این مفهوم با تأکید بر بازگشت به اصول و ارزش‌های اسلامی و ملی همراه است.

ب) کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی: یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی کاهش وابستگی به قدرت‌های جهانی، به ویژه ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی بود. این کاهش وابستگی به کشور اجازه می‌دهد تا بدون فشارهای خارجی سیاست‌های مستقل خود را پیگیری کند.

۳- یافته‌ها (عملکرد نظام جمهوری اسلامی در دستیابی به استقلال سیاسی)

۳-۱- قطع وابستگی به قدرت‌های خارجی

نظام جمهوری اسلامی ایران از زمان تأسیس خود در سال ۱۳۵۸، سیاست‌های متعددی را برای کاهش وابستگی به قدرت‌های خارجی اتخاذ کرده است. این سیاست‌ها در راستای حفظ حاکمیت ملی، و اقتصادی، و مقاومت در برابر فشارهای بین‌المللی بوده است. در زیر به چند نمونه از این عملکردها اشاره می‌شود:

۳-۱-۱- قطع وابستگی به قدرت‌های بزرگ

یکی از اقدامات مهم جمهوری اسلامی ایران در مبارزه با نفوذ خارجی، قطع وابستگی به قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده آمریکا بوده است. این سیاست پس از انقلاب اسلامی و به خصوص پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران در سال ۱۳۵۸ به شدت دنبال شد. جمهوری اسلامی ایران با قطع روابط دیپلماتیک با آمریکا و تلاش برای کاهش وابستگی به این کشور در زمینه‌های اقتصادی و نظامی، سعی کرده است تا نفوذ سیاسی آمریکا را در ایران به حداقل برساند (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۴۲).

۳-۲-۲- دستاوردها

تلاش‌های ایران در زمینه خودکفایی دفاعی به دستاوردهای قابل توجهی منجر شده است. ایران توانسته است انواع مختلف تسلیحات و تجهیزات نظامی را تولید کند، از جمله:

الف) موشک‌های بالستیک و کروز: ایران با توسعه فناوری موشکی خود، توانسته است انواع موشک‌های کوتاه‌برد، میان‌برد و دوربرد را تولید کند. موشک‌های شهاب، قدر و سجیل از جمله این دستاوردها هستند (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۲۵-۱۲۰).

ب) پهپادها: ایران با توسعه فناوری پهپادها، توانسته است انواع پهپادهای شناسایی و تهاجمی را تولید و به کار گیرد. پهپادهای مهاجر، شاهد و ابابیل از جمله این دستاوردها هستند (نجفی، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۰).

ج) تجهیزات دریایی: ایران در زمینه تولید زیردریایی‌ها، ناوچه‌ها و کشتی‌های جنگی نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشته است. زیردریایی‌های کلاس غدیر و فاتح از نمونه‌های موفق این تلاش‌ها هستند (زنگنه، ۱۳۹۸: ۲۱۵-۲۱۰).

۳-۳-۱- تاریخچه و آغاز برنامه

برنامه هسته‌ای ایران در دهه ۱۹۵۰ با حمایت ایالات متحده و تحت چارچوب برنامه "اتم برای صلح" آغاز شد. پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، این برنامه به دلیل تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی و نیز عدم حمایت‌های قبلی متوقف شد. اما در دهه ۱۹۹۰، ایران مجدداً تلاش‌های خود را برای توسعه فناوری هسته‌ای از سر گرفت (صالحی، ۱۳۹۶: ۳۲).

۳-۳-۲- اهداف برنامه

ایران همواره تأکید کرده است که اهداف برنامه هسته‌ای آن صلح‌آمیز است و شامل تولید انرژی، کاربردهای پزشکی و تحقیقاتی است. به ویژه، توسعه نیروگاه‌های هسته‌ای برای تولید برق به منظور کاهش وابستگی به منابع فسیلی و حفظ منابع نفت و گاز برای صادرات از اهداف اصلی این برنامه است (عباسی، ۱۳۹۴: ۴۵).

۳-۳-۳- پیشرفت‌ها و دستاوردها

ایران در طول سال‌ها توانسته است به دستاوردهای قابل توجهی در زمینه فناوری هسته‌ای دست یابد. برخی از این دستاوردها عبارتند از:

الف) غنی‌سازی اورانیوم: ایران توانسته است فناوری غنی‌سازی اورانیوم را توسعه دهد و اکنون توانایی تولید اورانیوم با درصد غنای مختلف را داراست. این توانایی برای تولید سوخت هسته‌ای و نیز کاربردهای پزشکی اهمیت دارد. **نیروگاه‌های**

هسته‌ای: نیروگاه بوشهر به عنوان اولین نیروگاه هسته‌ای ایران با همکاری روسیه به بهره‌برداری رسید. این نیروگاه نمادی از توانمندی ایران در حوزه فناوری هسته‌ای است (صالحی، ۱۳۹۶: ۴۰-۴۲).

ج) راکتورهای تحقیقاتی: ایران چندین راکتور تحقیقاتی را برای اهداف پزشکی و علمی راه‌اندازی کرده است. این راکتورها در تولید رادیوایزوتوپ‌های پزشکی و تحقیقاتی نقش دارند (عباسی، ۱۳۹۴: ۶۰-۵۵).

۵-۳- تحریم‌ها و مقاومت اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

تحریم‌های اقتصادی به عنوان یکی از ابزارهای فشار بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران، تأثیرات عمیقی بر اقتصاد کشور داشته است. اما ایران در مواجهه با این تحریم‌ها، راهبردهای متعددی را برای کاهش تأثیرات منفی و تقویت اقتصاد ملی اتخاذ کرده است. این راهبردها در قالب مقاومت اقتصادی و تلاش برای خودکفایی و استقلال اقتصادی شکل گرفته‌اند.

۳-۵-۱- تاریخچه تحریم‌ها

تحریم‌های اقتصادی علیه ایران از اوایل انقلاب اسلامی آغاز شدند و به تدریج با توجه به تحولات سیاسی و بین‌المللی گسترش یافتند. این تحریم‌ها شامل تحریم‌های مالی، بانکی، نفتی و تجاری بوده‌اند. مهم‌ترین موج تحریم‌ها پس از برنامه هسته‌ای ایران در اوایل دهه ۲۰۰۰ میلادی به وقوع پیوست که تأثیرات قابل توجهی بر اقتصاد ایران داشت.

۳-۵-۲- مقاومت اقتصادی و اقتصاد مقاومتی

در مواجهه با تحریم‌ها، رهبران جمهوری اسلامی ایران مفهوم "اقتصاد مقاومتی" را مطرح کردند که به معنای توانمندسازی اقتصاد ملی برای مقاومت در برابر فشارهای خارجی و افزایش توان داخلی است. این رویکرد شامل تقویت تولید داخلی، کاهش وابستگی به واردات، توسعه صادرات غیرنفتی و بهبود بهره‌وری اقتصادی است (نیلی، ۱۳۹۴: ۳۰).

۳-۵-۴- چالش‌ها و موفقیت‌ها

با وجود تحریم‌ها، ایران توانسته است با اجرای سیاست‌های مقاومتی و تقویت اقتصاد ملی، به دستاوردهای قابل توجهی دست یابد. این موفقیت‌ها شامل افزایش تولید داخلی، کاهش وابستگی به واردات، توسعه صادرات غیرنفتی و بهبود زیرساخت‌های اقتصادی است. با این حال، تحریم‌ها همچنان چالش‌های بزرگی مانند محدودیت دسترسی به بازارهای جهانی، مشکلات نقل و انتقالات مالی و افزایش هزینه‌های تولید را برای ایران به همراه دارند.

۳-۶- سیاست خارجی مستقل ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای اصولی چون استقلال، عدم تعهد به قدرت‌های بزرگ و حمایت از مستضعفین شکل گرفت. این سیاست‌ها، با تأکید بر حفظ استقلال و حاکمیت ملی، تلاش کردند تا ایران را به عنوان یک کشور مستقل و تاثیرگذار در عرصه بین‌المللی معرفی کنند.

۳-۶-۱- اصول و مبانی

یکی از اصول کلیدی سیاست خارجی ایران، تأکید بر استقلال و عدم وابستگی به ابرقدرت‌ها است. این اصل به معنای عدم تعهد به بلوک‌های قدرت و تلاش برای حفظ حاکمیت ملی در تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی است. آیت‌الله خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، بارها بر این موضوع تأکید کرده‌اند و آن را یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی دانسته‌اند (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۱۲۰).

۳-۶-۳- تعامل با قدرت‌های جهانی

تعامل جمهوری اسلامی ایران با قدرت‌های جهانی همواره یکی از موضوعات پیچیده و چالش‌برانگیز در سیاست خارجی کشور بوده است. این تعاملات با هدف حفظ استقلال، تقویت موقعیت بین‌المللی و حفاظت از منافع ملی ایران انجام شده است. سیاست‌های ایران در این زمینه، با تمرکز بر دیپلماسی، همکاری‌های اقتصادی و مقابله با فشارهای خارجی شکل گرفته‌اند. در تعامل با قدرت‌های جهانی، ایران همواره بر حفظ استقلال و عدم تسلیم در برابر فشارهای خارجی تأکید داشته است. مذاکرات هسته‌ای و

دستیابی به توافقنامه برجام (برنامه جامع اقدام مشترک) نمونه‌ای از این تعاملات است که ایران با حفظ اصول خود، به دنبال حل مناقشات از طریق دیپلماسی بوده است.

۳-۷- تقویت نهادهای داخلی و توسعه نهادهای حکومتی برای استقلال جمهوری

اسلامی ایران

تقویت نهادهای داخلی و توسعه نهادهای حکومتی از جمله مهم‌ترین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای حفظ و تقویت استقلال خود بوده است. این تلاش‌ها در راستای ایجاد ساختارهای قوی و پایدار برای مدیریت کشور و مقابله با تهدیدات خارجی صورت گرفته است. جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر اصول اسلامی و انقلابی خود، به توسعه نهادهای مختلف پرداخته و آنها را به سمت خودکفایی و استقلال هدایت کرده است.

۳-۷-۱- تقویت نهادهای اقتصادی

یکی از مهم‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی ایران در جهت حفظ استقلال، تقویت نهادهای اقتصادی کشور بوده است. ایجاد و تقویت نهادهایی مانند بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، و وزارتخانه‌های اقتصادی، به ایران کمک کرده تا نظام مالی و اقتصادی خود را بهبود بخشد. همچنین تأسیس صندوق توسعه ملی به منظور مدیریت بهتر منابع ارزی و مالی کشور و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی انجام شده است این اقدامات نقش مهمی در ایجاد ثبات اقتصادی و کاهش وابستگی به اقتصاد جهانی داشته‌اند.

نتیجه‌گیری:

نظام جمهوری اسلامی ایران، که بر پایه انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ تأسیس شد، از آغاز خود تاکنون به تأکید بر پرداخته است. این نظام به منظور حفظ استقلال و ارتقاء جایگاه خود در صحنه‌های بین‌المللی، سیاست‌هایی را اجرا کرده که شامل توسعه نیروهای نظامی، تقویت صنعت دفاعی، و ایجاد تعاملات دوستانه با کشورهای همسایه و دیگر نهادهای بین‌المللی می‌شود.

با این حال، نظام جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی مواجه بوده که شامل تحریم‌های بین‌المللی، تضادات داخلی، و محدودیت‌های اقتصادی است. این عوامل بر توانایی کشور در تحقق کامل تأثیر گذاشته‌اند.

با این وجود، ایران به عنوان یکی از کشورهای مؤثر و تأثیرگذار در خاورمیانه و جهان اسلام، توانسته است با استفاده از منابع داخلی و توانایی‌های خود، نقش مهمی در تعیین سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا کند.

به طور خلاصه، نظام جمهوری اسلامی ایران با تمرکز بر، همچنان در پی تحقق اهداف انقلابی خود است، با اینکه با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو است که نیازمند بررسی دقیق و استراتژی‌های مدیریت مناسب برای مواجهه با آن‌ها می‌باشد.

منابع

۱. آبراهامیان، یرواند. (۱۴۰۳). *ایران بین دو انقلاب: از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. (گل محمدی، احمد. مترجم). تهران: نشر نی.
۲. آبراهامیان، یرواند. (۲۰۰۸). *تاریخ ایران مدرن*. انتشارات دانشگاه کمبریج.
۳. آشوری، داریوش. (۱۳۹۵). *فرهنگ علوم سیاسی*. نشر مرکز.
۴. ابراهیمی، محمد. (۱۳۸۸). *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. انتشارات دانشگاه تهران.
۵. آقابخش، علی. (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم سیاسی*. چاپ سوم. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۶. الهامی نیا، علی اصغر. (۱۳۸۶). "استقلال جامعه دینی از دیدگاه قرآن." *فصلنامه مریبان*. سال هفتم. شماره ۲۴.
۷. امام خمینی. (۱۳۶۸). *وصیت‌نامه سیاسی-الهی*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۸. باقری، محمد. (۱۳۹۲). *استقلال سیاسی در نظام بین‌الملل*. انتشارات دانشگاه تهران.
۹. بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). *انقلاب و بسیج سیاسی در ایران*. نشر دانشگاه تهران.

۱۰. جهانی، ح. (۱۳۶۹). سیاست ایرانی و نوگرایی مذهبی: نهضت آزادی بخش ایران در زمان شاه و خمینی. انتشارات دانشگاه کرنل.
۱۱. حسینی، م. (۱۳۹۵). تحلیل فناوری های موشکی ایران. تهران: انتشارات جنگ.
۱۲. دهقان، حسین. (۱۳۹۶). صنایع دفاعی ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی. تهران: انتشارات دفاعی.
۱۳. زنگنه، بیژن. (۱۳۹۸). توسعه صنعت نفت و گاز در ایران. تهران: انتشارات نفت.
۱۴. سید قطب. (۱۳۶۰). نشانه های راه. انتشارات پیام.
۱۵. شعبانی، قاسم. (۱۳۹۳). حقوق اساسی و ساختار جمهوری اسلامی ایران. تهران: اطلاعات.
۱۶. صالحی، علی. (۱۳۹۶). تاریخچه و پیشرفت های برنامه هسته ای ایران. تهران: انتشارات سازمان انرژی اتمی.
۱۷. عطایی، فاطمه. (۱۳۹۲). "تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی ایران." نشریه مطالعات سیاسی.
۱۸. عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۶۷). انقلاب اسلامی و ریشه های آن. تهران: نشر کتاب، وابسته به مؤسسه خدمات فرهنگی انقلاب.
۱۹. عباسی، ف. (۱۳۹۴). روابط بین الملل و سیاست خارجی ایران. تهران: انتشارات دانشگاهی.
۲۰. عباسی، حسن. (۱۳۹۶). "مقاله مفهوم استقلال سیاسی در حقوق بین الملل." فصلنامه سیاست بین الملل.
۲۱. عباسی، ف. (۱۳۹۴). کاربردهای صلح آمیز انرژی هسته ای. تهران: انتشارات انرژی نوین.
۲۲. کدی، نیکی آر. (۱۳۸۴). ایران مدرن: ریشه ها و نتایج انقلاب. (گواهی، ع. مترجم) انتشارات اطلاعات.
۲۳. گراوند، منصور. (۱۳۹۴). "تحریم های اقتصادی و اثرات آن بر استقلال سیاسی جمهوری اسلامی ایران." مجله تحقیقات اقتصادی.
۲۴. کاظمی، م. (۱۳۹۵). تاریخچه صنعت نفت ایران. تهران: انتشارات نفت.

۲۵. کاظمی، فرهاد؛ مقدم، محمود ع. (۲۰۱۸). *هویت ایرانی و جهان وطنی*. "راتلیج".
۲۶. کوهن، آلوین استانفورد. (۱۴۰۱). *تئوری های انقلاب*. (طیب، ع. مترجم). تهران: سیمیا.
۲۷. مطهری، مرتضی. (۱۳۵۲). *عدل الهی*. تهران: صدرا.
۲۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *نظری به نظام اقتصادی اسلامی*. تهران: صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). *مجموعه آثار ۲۴ (نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، آینده انقلاب اسلامی ایران، قیام و انقلاب مهدی (عج)، بخشی از ده گفتار، بخشی از پانزده گفتار)*. ج ۱۱. تهران: صدرا.
۳۰. میلانی، محسن. (۱۳۸۵). *شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران. از پادشاهی تا جمهوری اسلامی*. نشر وست‌ویو.
۳۱. نجفی، ک. (۱۳۹۷). *پیشرفت‌های پهبادی ایران*. تهران: انتشارات نیروی هوایی.
۳۲. نعمت‌زاده، م. (۱۳۹۶). *فناوری‌های بومی در صنعت نفت ایران*. تهران: انتشارات صنعت نفت.
۳۳. نیلی، مسعود. (۱۳۹۴). *اقتصاد مقاومتی و توسعه پایدار*. تهران: انتشارات دانشگاهی.
۳۴. ولایتی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). *دیپلماسی مقاومت: سیاست خارجی ایران پس از انقلاب*. تهران: انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.